ایران زمین | http://irannewspaper.ir | editorial@irannewspaper.ir

سایه سنگین اکالیپتوس بر سر میانکاله افتاد



زیست بوم: سرمایه‌گذار پتروشیمی میانکاله در میان اعتراض فعالان و کارشناسان منابع طبیعی و محیط زیست به ساخت مجتمع پتروشیمی در ۵ کیلومتری ذخیره‌گاه زیست‌کره میانکاله اقدام به کاشت ۱۰ هزار اصله نهال اکالیپتوس و سپیدار کرد تا یکبار دیگر آه از نهاد فعالان برآورد. براساس گزارش‌های محلی مجری قصد دارد این تعداد را به ۴۰ هزار اصله برساند.

او پیش از این ۹۰ هکتار از اراضی ملی را با همکاری منابع طبیعی مازندران تصاحب کرد. ۶۰ خانوار منطقه پروانه چرا دارند و همین مسأله یکی از دلایلی است که واگذاری را غیرقانونی می‌کند. از سوی دیگر پروژه، مجوز محیط زیست را ندارد تا یکبار دیگر قانون در میانکاله نادیده گرفته شود. علاوه بر آن بر اساس قانون مصوب سال ۸۲ ایجاد صنایع در سه استان شمالی به‌دلیل آلودگی آب و خاک ممنوع است. زیست‌کره بودن میانکاله هم راه را قانونی بر هر گونه پروژه می‌بندد اما سرمایه‌گذار به هیچ یک از موارد توجه نکرد. او تعطیلات نوروز را فرصتی دانست تا طرح را کلید بزند و ریشه‌های مخرب درخت اکالیپتوس را به جان طبیعت میانکاله بیندازد. این گونه مهاجم از استرالیا وارد ایران شد اما الان به یکی از مشکلات جدی شهرهایی چون بندرعباس، قم، بوشهر، نهبندان و... تبدیل شده است. ریشه رونده اکالیپتوس مثل ریشه خزنده و رونده کهور امریکایی و کنوکارپوس در زمین می‌خزد و هرجا منابع آبی را می‌بیند، می‌بلعد. همچنین لوله‌های آب و فاضلاب را تخریب می‌کند و به تأسیسات شهری آسیب می‌زند.

ورود ریشه درخت اکالیپتوس به فاضلاب‌های شهری سبب می‌شود تا مجرای فاضلاب‌ها را بسته و فاضلاب از کف خانه‌ها بالا بزند، علاوه بر این رشد بیش از حد ریشه درخت اکالیپتوس می‌تواند سبب تخریب آسفالت سطح زمین نیز بشود. ریشه آن گودالی به عمق سه تا چهار متر حفر می‌کند و این تازه شروع ماجرا است و ساکنان مناطق مسکونی را مجبور می‌کند هر ساله لوله‌های آب و فاضلاب را تعویض کنند. ریشه درخت اکالیپتوس به‌دلیل نفوذ و رشدی که دارد حتی با قطع کردن درخت هم نابود نخواهد شد.

منابع آبی مازندران به‌دلیل برداشت بی‌رویه، سدسازی و انتقال آب و ورود سموم به آن هم به لحاظ کیفی کاهش یافته‌اند هم کمی. بنابراین اکالیپتوس برای میانکاله شلیک آخر است.

بیش از ۵۰ هزار گردشگر از جاذبه‌های تاریخی «زنجان» بازدید کردند

«گنبد سلطانیه»، قلب تپنده گردشگری

بیتا میرعظیمی
خبرنگار

در اولین نوبهار قرن جدید و بعد از ۲ سال محدودیت کرونایی، چمدان‌های سفر را بسته و به جبران چند سال خانه‌نشینی طاقت‌فرسا، عزم سفر به دیار چاقوهای دست‌ساز اعلا و گنبد سلطانیه یعنی «زنجان» کردیم. شهری تاریخی که به‌دلیل وجود جاذبه‌های افسانه‌ای و حیرت‌انگیز، یکی از مهم‌ترین مقاصد جذاب غرب ایران برای گردشگران به شمار می‌رود. مسیر کوتاه بود و در زمانی کمتر از ۴ ساعت، وارد شهر قدیمی و تاریخی زنجان شدیم. این شهر که یکی از شهرهای چهار فصل کشورمان به شمار می‌آید، میزبان آثار تاریخی شگفت‌انگیزی بوده و جاذبه‌های طبیعی و دیدنی این شهر، نگاه هر گردشگری اعم از داخلی و خارجی را به خود جلب می‌کند.

■ زنجان، مقصد گردشگران نوروزی

در بدو ورود، حضور گردشگران بسیار در این شهر خودنمایی می‌کرد. گویا زنجان در اولین نوبهار قرن جدید، به یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری تبدیل شده بود. استنباط ما از استقبال گردشگران از این شهر تاریخی، چندان نیز بیراه نبود؛ چراکه به گفته مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی زنجان، از ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ تا ۱۰ فروردین ماه جاری، ۵۰ هزار گردشگر داخلی و خارجی از جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و گردشگری استان زنجان بازدید کردند. همچنین مجموع مسافران نوروزی اقامت کننده، ۱۳ هزار و ۶۱۲ نفر بوده که از این میان، میزان اقامت در هتل‌های استان ۲ هزار و ۴۵۳ نفر معادل ۱۸.۲ درصد، میهمانپذیر ۲ هزار و ۴۵۸ نفر معادل ۱۸.۶ درصد و اقامتگاه‌های بومگردی ۸۵۹ نفر معادل ۶.۳۱ درصد تخمین زده شده است. چنین استقبال گسترده مسافران نوروزی از جاذبه‌های گردشگری زنجان، حکایت از تبدیل این شهر شگفت‌انگیز، به مقصدی گردشگری دارد؛ در نتیجه مسئولان باید از این فرصت در بحث اقتصاد گردشگری استان بهره برده و از طریق توسعه صنعت توریسم، اقامت مسافران در هتل‌ها و خانه‌های بومگردی و فروش صنایع دستی، تولید ناخالص داخلی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر اقتصاد این شهر، بهبود بخشند.

■ رونق اقامتگاه‌های بومگردی

برای پیدا کردن هتل یا مسافرخانه‌ای مناسب، سراغ مردم مهربان و خوش‌برخورد این شهر رفتیم. مردم زنجان که از قدیم‌الایام حضور میهمان را در سرزمین و خانه خویش ارزشمند تلقی می‌کنند، با رویی گشاده، گردشگران را در یافتن اقامتگاهی مناسب یاری می‌کردند. شهر زنجان دارای هتل‌ها و مسافرخانه‌های متعددی نظیر هتل بزرگ زنجان، هتل جهانگردی زنجان، هتل غزال زنجان و همچنین اقامتگاه‌های بومگردی نظیر آنام و گل سرخ است که می‌توان از میان این همه تنوع، بهترین اقامتگاه را برای خود انتخاب کرده و بر لذت و آرامش سفر خود بیفزایید، البته در نوبهار امسال، اقامتگاه‌های بومگردی خدابنده پذیرای بیشترین مسافران نوروزی بوده است و این نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری این شهرستان می‌تواند چشم‌انداز بهتری را برای توسعه صنعت توریسم مهیا کند. این شهر علاوه‌بر هتل‌ها و اقامتگاه‌های متنوع، دارای رستوران‌های متعدد و متنوعی است که می‌توان در اغلب آنها غذاهای سنتی شهر زنجان مانند جغور بغور، خورشت آلوچه با مرغ، علم سلات، آش ترش، بوغدا آشی و... را نوش جان کرد.

■ «گنبد سلطانیه»، قلب تپنده گردشگری

زنجان یکی از بهترین شهرهایی است که در فصل بهار، دیدن جاذبه‌های گردشگری آن به آدمی لذتی دوچندان می‌دهد. دیدنی‌ترین مکان تاریخی این شهر، «گنبد سلطانیه» است؛ گنبدی که با عنوان بزرگترین گنبد خشتی دنیا شناخته شده و یکی از شاهکارهای مربوط به دوره ایلخانان در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. شایان ذکر است که گنبد سلطانیه، در نوروز امسال در بین جاذبه‌های گردشگری استان زنجان، بالاترین حجم حضور گردشگران را به نام خود ثبت کرد، اما جاذبه‌های دیدنی زنجان تنها محدود به گنبد سلطانیه نیست؛ این استان دارای اماکن تاریخی، طبیعی و تفریحی بسیاری نظیر غار کتله‌خور، قلعه بهستان ماهنشان و دودکش جن، موزه باستان شناسی، مسجد جامع، رختشوی خانه تاریخی، دریاچه پری، کوه‌های رنگی و... است که برای دیدن‌شان باید به زنجان سفر کنید و از دیدنشان لذت کافی ببرید.

از سویی دیگر خدمت‌رسانی اتوبوس گردشگری، یکی از جذاب‌ترین اقدامات شهرداری و اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی زنجان برای میزبانی هر چه بهتر از مسافران نوروزی بود. اقدامی که قطعاً به توسعه گردشگری و جذب هر چه بیشتر توریسم خواهد انجامید.

ویلاسازان جنگل‌های هیرکانی را پیش پای گردشگران قربانی می‌کنند

تیشه به جان موزه طبیعی جهان

زهرا کشوری
خبرنگار









عکس‌ها: ایران

ویلاسازان دارند جنگل را از جلوی پای گردشگران فومن و قلعه رودخان پاک می‌کنند. ویلاسازان تنها مردم محلی نیستند اما برخی مردم محلی هم سال‌هاست جز به زبان تبر با جنگل‌های هیرکانی سخن نگفته‌اند. درختان هیرکانی اگر زبان داشتند با مردمی که جز با زبان تبر و بلدوزر با آنها سخن نمی‌گویند چه می‌گفتند؟ یا اگر زبان درختان هیرکانی را بلد بودند چه جوابی برای سؤال افراها، لرگ، راش‌های فومن و قلعه رودخان داشتند؟ این سؤال‌ها تنها به جنگل‌های هیرکانی فومن و قلعه رودخان محدود نمی‌شود پرسش درباره زیست‌بوم هیرکانی در سه استان شمالی است اما این گزارش روی فومن به محوریت قلعه رودخان متمرکز است. بدهی هیرکانی و قلعه رودخان به مردم محلی و ویلاسازان منطقه چقدر است؟ چرا هر چقدر جنگل پاک‌تراشی و به‌ویلاتبدیل می‌شود، بدهی جنگل‌های باستانی هیرکانی به فومن و قلعه‌رودخان و فوشه صاف نمی‌شود؟ هیرکانی چقدر باید برای ساکنانش درآمدزایی داشته باشد تا تبرها و بلدوزرها از روی تنه افراها، ممرزها، راش‌ها و... برداشته شود؟ تا آخرین درخت؟!

■ گردشگری با طعم بی‌پولی!

هر قلعه رودخانی یک «خانه مسافردار است» (مراکز اقامتی غیرمجاز درست است) شاید توصیف دقیقی از وضعیت تخریب جنگل‌های هیرکانی توسط ساکنان آن برای ساخت ویلا نباشد اما دور از واقعیت هم نیست. وضعیت در فومن هم به همین شکل است اما به روستاهای اطراف قلعه رودخان مثل فوشه و قلعه رودخان که نزدیک می‌شوی، وضع به همین منوال است. بنگاه‌داری هم در آنها خیابانی شده است. تمام مسیر کسانی به انتظار گردشگر نشسته‌اند تا با قیمت‌های عجیب همان لحظه اول، مسافر بخت‌برگشته را سنگ کوب کنند. کمترین قیمت یک سوئیت بدون تخت شبی ۵۰۰ هزار تومان است تازه اگر پیدا شود. نرخ پایه را باید گذاشت ۷۰۰ هزار تومان، آن هم آخر شب که دست و دل صاحبخانه از خالی ماندن ویلاش می‌لرزد! وسط روز جای هیچ‌گونه چانه‌زنی وجود ندارد. زن و شوهر جوان هر دو معلم هستند. مثل میلیون‌ها ایرانی پس از دو سال محدودیت کرونایی عزم سفر کرده و آمده‌اند قلعه‌رودخان. زن می‌گوید: «من برای آپارتمانی که اجاره کرده‌ام ماهی ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره می‌دهم اینجا برای یک شب از من ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌خواهد.» خانه یک ساختمان سه طبقه است که طبقه اول را خود صاحبخانه استفاده می‌کند. اطراف این واحد یا ویلا ساخته‌اند یا دارند می‌سازند. جنگل‌های اطراف روستا تا بالای کوه پاک تراشی شده‌اند و زمین کشاورزی جای جنگل را گرفته است. در پایین دست نیز زمین‌های کشاورزی ویلا شده‌اند. اگر روال به همین سبک پیش برود تا چند سال دیگر جنگل‌های منطقه قلعه‌رودخان کاملاً ویلا شده‌اند، چیزی دیگر برای دیدن وجود نخواهد داشت! مگر مزارع چایی، اگر ویلا نشوند! آنچنان هیرکانی را پاک تراشی کرده‌اند که انگار یادشان رفته پوشش جنگلی است که گردشگران را به منطقه کشانده. شاید روی بازدید گردشگران از بنای ساسانی قلعه رودخان حساب باز کرده‌اند. قلعه هم حال خوشی ندارد. بهره‌کشی تیغی است بر گلوی هر دو؛ هم هیرکانی هم قلعه ساسانی! انگار که در آن گیر افتاده باشند و تا جیبشان خالی نشود، تمام اموالشان به سرقت نرود و لباس از تن‌شان درنیاورند، کابوس شان تمام نمی‌شود.

■ بنگاه‌داران خیابانی!

بنگاه‌داری خیابانی هم در روستای اطراف قلعه برای خودش شغلی شده است. کسانی که وظیفه دارند برای ویلادارها مشتری پیدا کنند و از هر دو طرف هم کمیسیون بگیرند. یکی از آنها می‌گوید در روستای فوشه خانه زیر یک میلیون تومان برای هر شب پیدا نمی‌شود. بخاری روشن یکی از آپشن‌های آنها برای قیمت بالای ویلاها است درست مثل کولرهای روشن اقامتگاه‌ها در جنوب کشور! وسط سرمای فروردین در مسیر قلعه، آلاسکا می‌فروشند. مشتری ندارند اما خیلی هم مهم نیست. بیشتر می‌خواهند برای ویلاهایشان گردشگر پیدا کنند؛ شبی چهار میلیون. برای این قیمت دلیل هم می‌آورند. ویلا همه چیز دارد، گردشگری که کفش‌های گلی‌اش را وسط حمام می‌شوید هم حق‌اش است چنین قیمتی را بپردازد.

هرچه به قلعه نزدیک‌تر باشی ویلاها گران‌تر می‌شود یک سوئیت کوچک شبی ۸۰۰ هزار تومان است اما همان سوئیت کوچک با یک اتاق یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه دارد. یک مسأله دیگر هم در افزایش یا کاهش قیمت تأثیر دارد. برخی خانواده‌ها با مسافرانی که با خانواده آمده‌اند بهتر تا می‌کنند تا گروه‌های دوستانه. یکی از بنگاه‌هادارها می‌گوید همه خانه‌های نزدیک قلعه رودخان شبی دو میلیون تومان است. می‌گوید: «خودم ۳۰ تا خانه را پر (گردشگر) کردم.» سوئیت‌هایی هم وجود دارد که بدون حمام شبی ۵۰۰ تا ۷۰۰ تومان اجاره می‌روند. گردشگر هم آنقدر زیاد است که صاحبخانه از قیمتش کوتاه نیاید. در شمال هیچ چیزی دور ریخته نمی‌شود مگر بطری‌های آب و نایلون‌های پلاستیکی، چیپس و پفک که سهم هیرکانی می‌شود. این مسأله مختص شمال هم نیست زخم طبیعت ایران است. در شمال همه چیز قابلیت تبدیل شدن به پول دارد. این همه ویلاسازی و آن صنایع دستی بازار ورودی به قلعه‌رودخان و دکه‌ها و رستوران‌های محل هم از صدقه سری هیرکانی است و تاریخ شگرف قلعه ساسانی رودخان بر بلندای هیرکانی. محلی‌ها از درخت بامبو هم عصا ساختن برای کوهپیمایی و پیاده روی. بامبوی سبز را به ۱۰ هزار تومان و خشک را پنج هزار تومان می‌فروشند. دو سوی مسیر قلعه پر از دکه و رستوران است. این دکه‌ها بعد از بازارچه صنایع دستی هستند. هرکس هرچه کاشته اینجا می‌فروشد. صنایع دستی چوبی، حصیری و صدفی. هر آنچه هیرکانی به ساکنانش می‌دهد. بازار باقلا قاتق و میرزا قاسمی و آش رشته و آش دوغ گرم گرم است. ورودی به پارکینگ ۵ هزار تومان است. برخی از گردشگران که سال گذشته و در محدودیت‌های کرونا به قلعه رودخان آمده‌اند می‌گویند ورودی ۱۵ هزار تومان بود. در میان گرانی سرسام‌آور اجاره ویلاها، کم شدن پول پارکینگ برای خیلی‌ها جای سؤال است. راز را یکی از اهالی که دکه‌اش در مسیر توسط منابع طبیعی خراب شده، رمزگشایی می‌کند؛ پیمانکار را چند وقت پیش عوض کرده‌اند. پیمانکار بهره‌برداری از مسیر گردشگری قلعه رودخانه را ده ساله می‌گیرد اما دو سال بیشتر می‌ماند. به گفته برخی کسبه‌ها، دکه‌ها و غرفه‌ها را به هرکس که می‌خواهد واگذار می‌کند.

به گفته یکی از غرفه‌داران، پیمانکار صد نیروی محلی و غیرمحلی را در مسیر به کار می‌گیرد اما حقوق اندک و پرداخت با تأخیر باعث می‌شود تا داوطلبان بعد از مدتی عطای کار در مسیر تاریخ ساسانیان را به لقایش ببخشند. به گفته او، حقوقی که به کارکنان پرداخت می‌شد یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود، بدون حق بیمه. کار به شکایت نیروها از کارفرما هم می‌رسد.

قیمت سالانه اجاره دکه و رستوران از ۲۰ میلیون تومان شروع می‌شود و به صد میلیون تومان می‌رسد. مثلاً چهارزن که غذای گیلانی می‌فروشند دکه‌شان را ۴۰ میلیون تومان اجاره کرده‌اند. بعضی از فروشنده‌ها می‌گویند شورای روستا از پیمانکار حمایت می‌کرده است. وقتی مسیر گردشگری دست پیمانکار بود ورودی هر ماشین ۱۵ هزار تومان حساب می‌شد. برخی از کسبه می‌گویند: «پیمانکار رسید مبلغی که دست گردشگر می‌داد صفر تومان بود ما از رسیدها عکس گرفتیم و به فرمانداری بردیم. در نهایت دادگستری هزینه ورودی را ۵ هزار تومان تعیین کرد.» کسبه می‌گویند منابع طبیعی بشدت از پیمانکار متخلف حمایت می‌کرد. پیمانکار حتی آن سوی رودخانه‌ای که از دل جنگل می‌گذرد را هم ساخت و ساز کرده بود. مسیر گردشگری قلعه رودخان را یک پل سفید به آن سوی رودخانه وصل می‌کند. کسبه و محلی‌ها قصه عجیبی تعریف می‌کنند. پیمانکار فردی را روی پل گماره بود تا با گرفتن مبلغ ده‌هزارتومان اجازه بدهد گردشگر از پل بگذرد و عکس یادگاری بگیرد. اهالی می‌گویند الان قرار است سازمان منابع طبیعی، محیط زیست و وزارت میراث فرهنگی، پیمانکاری را انتخاب کنند که براساس قانون رفتار کند. آنها می‌گویند رئیس دادگستری فومن از محلی‌هایی که خواستار رعایت قانون توسط پیمانکار شده‌اند بشدت حمایت کرده است. دکه دارها و رستوران‌دارها فقط اهل روستای قلعه رودخان و فوشه نیستند. شیرازی‌ها، همدانی‌ها، رشتی‌ها و فومنی‌ها هم هستند.

■ تصرف قلعه رودخان توسط گردشگران!

مسیر قلعه رودخان شلوغ است. جمعیت شانه به شانه بدون ماسک مسیر گلی را برای دیدن یکی زیباترین قلعه‌ها طی می‌کنند. ورودی قلعه ۴ هزار تومان است. چهار هزار تومان را که پرداخت کنی هر جای قلعه می‌توانی سرک بکشی. نه نگهبانی وجود دارد نه کارشناسی. یک سرباز دم در مواظب است که کسی بدون پرداخت حق بلیت، وارد نشود و یک نفر هم بلیت‌ها را می‌فروشد. گردشگران مثل گیاهان و درختانی که روی قلعه روییده‌اند از سر و کول قلعه بالا می‌روند. روی دیوارها و پشت‌بام‌ها! تا باز همان سؤال ابتدای گزارش ذهنت را بخراشد. یک اثر تاریخی مثل قلعه‌رودخان و یک اثر طبیعی مثل هیرکانی چقدر باید آورد اقتصادی برای ساکنانش داشته باشد که لااقل چهارنگهبان از آن حفاظت کنند! این سرمایه‌گذاری است یا هیرکانی و قلعه رودخان غنیمت جنگی‌اند که هرکس می‌خواهد سهم خودش را بردارد؟ چرا سرمایه‌گذاری را با توجه به توان اکولوژیکی آن به روستاهای اطراف محدود نمی‌کنند؟ هیرکانی و قلعه رودخان چقدر باید ایجاد اشتغال کنند، تا امنیت جانی‌شان تضمین شود!؟ تا قطع آخرین درخت؟ البته پاسخ این سؤال‌ها مشخص است. وقتی دولت که باید ناظر باشد هر روز یک طرح گردشگری و عمرانی را وسط هیرکانی اجرا می‌کند چرا هر شمالی و غیرشمالی نباید صاحب یک اقامتگاه یا خانه مسافر مجاز یا غیرمجاز باشد؟ «خانه مسافر»هایی که آنقدر قیمت اجاره‌شان بالا است که خستگی سفر را برای همیشه به جان مسافر می‌گذارند.

نمایش مانایی

نما

دی ماه ۹۹ بود که ۴۹ آجر لعاب دار ۲۸۰۰ ساله متعلق به «مانا»ها از سوئیس به ایران آمد. این محموله هفتمین استرداد آثار تاریخی در زمان دولت گذشته بود که کارشناسان از آن به‌عنوان مهم‌ترین پرونده حقوقی ایران در مجامع بین‌المللی بعد از دادگاه اشیای جیرفت یاد می‌کنند. آجرهای مانایی که در سکوت خبری وارد ایران شد، متعلق به محوطه عصرآهن سه در سایت ماناها در قلایچی بوکان است. این محوطه در سده ۷۰۰ تا ۸۰۰ پیش از میلاد محل پادشاهی ماناها بود. جغرافیای حکومتی ماناها از شمال به دریاچه ارومیه می‌رسید و در جنوب به دریاچه زریوار. گستره آن در غرب در مرز ایران و عراق به پایان می‌رسد یعنی مرز ماناها و آشورها در عصر آهن. مرز شرقی حکومت ماناها هنوز برای باستان‌شناسان مشخص نیست. احتمال می‌رود جایی بین کردستان و زنجان باشد. تپه زیویه سقز، محوطه ربط در سردشت، زندان سلیمان در تکاب و گورستان کول تاریکه در سقز از آثار شاخص به جامانده از ماناهاست. آجرهای لعاب‌دار سال ۱۹۹۱ از ایران قاچاق و در بندری در سوئیس توقیف می‌شود. ۱۵ سال بعد دادستان منطقه تصمیم می‌گیرد تا پرونده را تعیین تکلیف کند. کارشناسان با استناد به مقالات و مستندات منتشرشده، تعلق آجرها را به ایران و منطقه عصرآهنی قلایچی بوکان اثبات می‌کنند. دادگاه در سال ۲۰۱۶ رأی به استرداد اشیا به ایران می‌دهد. تحریم و تحولات سیاسی بازگشت آجرها را ۴ سال عقب می‌اندازد. این آجرها در روزهای پایانی اسفند ماه با حضور سفیر سوئیس و مسئولان موزه ملی به نمایش درآمد.



عکس: باشگاه خبرنگاران جوان